کلاهبرداری ۲۷ میلیونی در ۱۲۰ ثانیه

دستگیری فیشینگ باز سابقه‌دار که باز هم حساب مردم را خالی کرد

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

چند روزی بود که به این در و آن در می‌زد تا چَکش برگشت نخورد. به زحمت فراوان و درست همان دقیقه آخر توانست ۲۷ میلیون تومانَ چک را جور کند. خیالش راحت بود که آبرویش نخواهد رفت اما یک اتفاق با چاشنی طمع‌ورزی که از قضا خودش در آن دخیل بود، موجب شد دارائی‌اش را ببازد و حالا باید در انتظار شکایت فردی می‌نشست که چک برگشتی‌اش را در اختیار داشت.

پیامک کسر از حساب در کمترین زمان برایش ارسال شد و تا به خودش بیاید موجودی‌اش صفر شد. آخر چگونه ممکن بود با وجود رمز دوم پویا که عمر کوتاهی هم دارد کسی به حسابش دستبرد زده باشد؟

ابتدا فکر می‌کرد اشتباهی از سمت بانک رخ داده است، برای همین صبح با توپ پُر به شعبه بانک مورد نظر رفت. باورش نمی‌شد که با وجود رمز دوم پویا کسی حسابش را خالی کرده باشد؟ آن هم زیر ۱۲۰ ثانیه. پس از اینکه متصدی یکی از باجه‌های بانک از حسابش استعلام گرفت متوجه شد فردی اقدام به خرید اینترنتی با پول‌های بی‌زبانش کرده است.

با راهنمایی مدیر شعبه به مرکز فرماندهی پلیس فتای خراسان رضوی هدایت شد تا شاید بتواند سرمایه از دست رفته‌اش را بازگرداند.

● **کلاهبرداری به بهانه خرید سکه بانکی**

تا به پلیس فتا برسد چند مرتبه فردی که چکش را در اختیار داشت با او تماس گرفت. نمی‌دانست باید به او چه بگوید. دلش را به دریا زد و تلفنش را پاسخ داد. مرد جوان حسابی عصبانی بود که او موضوع کلاهبرداری از حسابش را برایش گفت و از طلبکارش کمی وقت خواست.

با مراجعه به پلیس فتا طرح شکایت کرد و تحقیقات پرونده‌اش بر عهده کارشناسان اداره مبارزه با جرائم فضای مجازی این پلیس تخصصی قرار گرفت. در همان ابتدا حساب بانکی که ۲۷ میلیون تومان به آن واریز شده بود ردزنی و طی حکم قضایی و مکاتبه با بانک مورد نظر مسدود شد. مأموران که احتمال می‌دادند این حساب بانکی مورد نظر اجاره‌ای باشد در قدم بعدی خود به سراغ صاحب این حساب رفتند و او را دستگیر کردند.

مالک حساب مورد نظر که مردی میان‌سال بود پس از رویارویی با مأموران پلیس و اطلاع از ماجرای کلاهبرداری بیست‌وهفت میلیون تومانی گفت که مردی جوان کارت بانکی او را به مبلغ ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان در روز از او اجاره کرده است. این فرد که خودش هم از سوی متهم اصلی بازی خورده بود به مأموران پلیس گفت: «متهم می‌گفت می‌خواهد از بانک سکه بخرد و چون به هر حساب تنها یک سکه طلا می‌دهند برای همین کارت بانکی‌ام را اجاره کرد. فکر نمی‌کردم چنین نیت شومی دارد وگرنه به هیچ عنوان کارتم را در اختیارش نمی‌گذاشتم.»

● **خرید کالا از دیوار**

فهرست تراکنش‌ها از این حساب اجاره‌ای مأموران را به حساب دیگری رساند که در ادامه پیگیری‌های پلیسی مشخص شد، متهم برای اینکه به ظاهر رد پایش را پاک کند از صاحب این حساب کالایی را از طریق سایت دیوار خریداری کرده و به نوعی اقدام به پول‌شویی هم کرده است.

با برملا شدن این موضوع و سرنخ‌های به‌دست آمده، مأموران پلیس فتا رد متهم را از طریق آخرین تماس تلفنی‌اش با فرد فروشنده زدند و بر اساس آخرین نقطه آنتن‌دهی این ارتباط، او را در منطقه پیروزی مشهد شناسایی کردند.

● **متهم به قید ضمانت آزاد بود**

متهم قبل از اینکه بتواند فرار کند مأموران او را در مخفیگاهش دستگیر کردند. او که بیست‌وسه ساله است ابتدا منکر هرگونه جرمی در فضای مجازی شد و همه مستندات و شواهدی که علیه‌اش بود را انکار کرد. او حتی مدعی شد که صاحب حساب اجاره‌ای را هم نمی‌شناسد و این مرد میان‌سال به مأموران دروغ گفته است.

انکارهای متهم اما عمر کوتاهی داشت و با مشخص شدن سابقه کیفری‌اش هویت واقعی‌اش را فاش کرد. نتیجه استعلام مأموران پلیس فتا خیلی زود راز کلاهبرداری‌های این پسر را که قبلا هم به دلیل فعالیت در یک باند فیشینگ شناسایی و دستگیر شده بود، برملا کرد.

متهم که دیگر راهی جز بیان حقیقت نداشت پس از انتقال به مرکز فرماندهی پلیس فتا به فیشینگ بیست‌وهفت میلیون تومانی از حساب شاکی پرونده کمتر از ۱۲۰ ثانیه اعتراف کرد. او در اعترافاتش گفت که به تازگی و به قید ضمانت از زندان آزاد شده است.

● **به‌روز شدن در شگرد کلاهبرداری**

رئیس پلیس فتای خراسان رضوی اما در شرح جزئیات این پرونده کلاهبرداری گفت: مال‌باخته از طریق آگهی فریبنده خرید اینترنت ارزان قیمت در بستر تلگرام، جذب کانال مورد نظر می‌شود و سپس به درگاه بانکی جعلی متصل به این کانال هدایت می‌شود. شاکی با درج اطلاعات حساب خود در صفحه بانکی تقلبی همه ارقام کارت بانکی‌اش را در اختیار متهم که به اصطلاح به آن فیشر گفته می‌شود، می‌گذارد و با ارسال اطلاعات، با دست خود دروازه ورود به حسابش را باز می‌گذارد. در این میان متهم که از مجرمان سابقه‌دار است و تجربه کافی در زمینه این نوع بزهکاری را دارد ظرف کمتر از دو دقیقه حساب مال‌باخته را خالی می‌کند.

سرهنگ جواد جهانشیری ادامه داد: متهم پس از گذراندن این فرایند مجرمانه برای اینکه به ظاهر ردی از خود باقی نگذارد با شماره حساب اجاره‌ای و شماره تلفن شخصی دیگر در فضای سایت دیوار و چند سایت فروشگاهی مجازی اقدام به خرید کالا می‌کند و بدون دریافت این اقلام آن‌ها را به شخصی دیگر می‌فروشد و این‌گونه شگرد کلاهبرداری خود را به پایان می‌رساند.

این مقام ارشد انتظامی استان بیان کرد: مجرمان بر این باور هستند که در فضای مجازی ردی از آن‌ها باقی نمی‌ماند اما باید تاکید کنم که هر اقدام مجرمانه‌ای در فضای مجازی قابل پیگیری است و در صورت شکایت و احراز بزهکاری با خاطیان برخورد خواهد شد.

سرهنگ جهانشیری در ادامه به شهروندان تأکید کرد: با توجه به ضریب بالای امنیتی رمزهای موقت کوتاه‌مدت اما نباید از درگاه‌های بانکی جعلی غافل شد چرا که این زمینه برای کلاهبرداری از طریق فیشینگ وجود دارد و چنانچه شهروندان اطلاعات خود را در سایت‌های جعلی بانکی وارد کنند، عملیات بانکی خرید اینترنتی با کارت بانکی قربانی امکان‌پذیر است. بنابراین از مردم درخواست می‌شود برای خریدهای اینترنتی خود حتما از طریق درگاه‌های بانکی مجاز اقدام کنند. همچنین کاربران فضای مجازی هم توجه به این نکته داشته باشند که فریب آگهی‌های خرید اینترنت ارزان قیمت را نخورند و قبل از خرید حتما از سایت‌های اپراتورهای تلفن همراه استعلام بسته مربوط را بگیرند.

عکس تزئینی است

ماجرای یک سرقت عاشقانه

اخبار کوتاه

مرد جوان چندین بار موضوع ازدواج را با دختر جوان مطرح می‌کند اما او این خواسته را رد می‌کند. تکرار خواسته‌های عاشقانه مرد ادامه می‌یابد و بالأخره دل دختر را به دست می‌آورد. او از وضعیت زندگی‌اش می‌گوید و اینکه همه چیز دارد، هم خانه و هم خودرو، موضوعی که دغدغه بسیاری از دختران جوان و خانواده‌هاست و اینگونه دام و دانه را با هم پیش پای دختر جوان می‌گذارد و او را به یک دیدار حضوری در فضای عمومی وادار می‌کند. محل قرارشان یکی از بوستان‌های مشهد می‌شود. هر دو چند دقیقه زودتر سر قرار می‌رسند. خیلی زود صحبت‌هایشان گل می‌اندازد. پسر از نیمه گم‌شده‌اش که پس از سال‌ها آن را یافته می‌گوید و دختر از انتظاراتش از همسر آینده‌اش. یک ساعت که می‌گذرد، دختر گوشی تلفن همراهش را از کیفش بیرون می‌آورد تا با گرفتن تاکسی اینترنتی، به خانه برگردد. اما شارژ برقی تلفن همراهش تمام و گوشی‌اش خاموش می‌شود. مرد عاشق‌پیشه که اوضاع را چنین می‌بیند، برای اینکه خودش را به همسر آینده‌اش ثابت کند، از دختر می‌خواهد تا همانجا بنشیند تا او با رفتن به مغازه‌های اطراف گوشی را شارژ کند. زن جوان تلفنش را دودستی تقدیم پسر می‌کند و او گوشی به دست به سمت نزدیک‌ترین مغازه، از زاویه دید زن خارج می‌شود. زن مدتی منتظر می‌ماند اما خبری از جوان عاشق‌پیشه نمی‌شود، برای همین خودش دست به کار می‌شود و با مراجعه به مغازه‌ها می‌فهمد که چه کلاهی سرش رفته است. او پس از پرس‌وجو از مغازه‌دارها متوجه می‌شود که مرد نه تنها به هیچ کدام از مغازه‌ها سر نزده بلکه تمام این اقدامات بخشی از یک نقشه سرقت بوده است. مالباخته در تماس با پلیس ۱۱۰ موضوع را اعلام می‌کند. بررسی‌های پلیسی منجر به شناسایی هویت سارق و دستگیری متهم در مشهد می‌شود. جانشین فرمانده انتظامی مشهد با هشدار به شهروندان با توجه به شگرد شیادانه به کار گرفته شده در این پرونده اعلام کرد که متهم پس از دستگیری مدعی شد که گوشی گران‌قیمت زن جوان را به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان فروخته است. سرهنگ طبسی ادامه داد: احتمال کلاهبرداری‌های بیشتر با این شگرد وجود دارد و تحقیقات درباره آن آغاز شده است.

داستان جنایی

ستاره‌های کویری

(قسمت چهارم)

ایلیا موسایی

فضای اتاق کوچک و نیمه‌تاریک بود. با وجود شیشه‌های بزرگ یکسره‌ای که داشت نور کم‌حالی داخل اتاق می‌آمد. مونا همان مانتویی را پوشیده بود که در دیدار اول توی پارک به تن داشت؛ رنگین کمانی که توی نور کمَ اتاق، شادابی رنگ‌هایش را از دست داده بود. شال نخی سبزش را پشت سرش گره زده بود. وقتی ستاره وارد شد دید که پشت به او روی چهارپایه نشسته و متفکرانه آن پایین را نگاه می‌کند. به ستاره گفت که یک چهارپایه را از کنار میزی که گوشه اتاق بود بکشد و بیاورد. ستاره وقتی می‌نشست ماشین سمند شوهرش را از این بالا توی حیاط پایین دید که آفتاب روی آن می‌تابید. ستاره گفت: «ترسناکه اینجا»

یک‌باره از بالای سر صدای جیغی آمد که هر دو را از جا پراند. بعد صدای خنج کشیدن‌های پشت‌سرهم از سقف کاذب به گوش رسید. مونا دستش را روی سینه‌اش گذاشته بود. گفت: «دیوووونه‌ها زهره‌ترک شدم به‌خدا» ستاره صورتش را با هر دو دست گرفته بود. نفس عمیقی از لای دست‌هایش کشید. «گربه‌ان؟»

«خدا ورشون داره»

مونا از پارچ آبی که روی میز در گوشه تاریک اتاق بود آب ریخت. برای ستاره آورد و خودش را روی چهارپایه رها کرد. گفت: «یاد یه ماجرایی افتادم»

ستاره آرام به آب توی لیوان لب می‌زد. نگاهش کرد.

مونا به آن پایین توی حیاط شرکت زل زد. «قدیما توی خونه پدری‌ام. یک گربه ماده سمج بود که هر سال می‌اومد. توی انباری بچه می‌زایید و کلی دردسر درست می‌کرد برامون. اونم نه یکی دوتا، هر دفعه هشتا اینا! چندبار رفتیم تو انباری که بیرونش کنیم. از سوراخی که گوشه سقف ایرانت بود در می‌رفت. باز که برمی‌گشتیم، شب صدای مرنو مرنو کردنش نمی‌ذاشت بخوابیم. می‌دیدیم دوباره برگشته و فایده نداره. اون سال من وقت امتحانام بود و اینا با صداهاشون کلافه‌ام کرده بودن و نمی‌ذاشتن بخوابم. نصف‌شبی جارودستی بلند رو برداشتم و رفتم توی انباری چراغ رو زدم. نمی‌دونم چی شد بس که اعصابم خرد بود مستقیم رفتم سراغ شکاف ایرانت که راه در روی گربه بود. صدای خش‌خش کردنش لابه‌لای خرت‌وپرتا می‌اومد. چون مستقیم رفته بودم سمت راه فرارش یه جورای مسخره‌ای گیر افتاد. با جارو زدم روی خرت‌وپرتا و دیدم از اون طرف پرید بیرون و رفت تو گوشه مخالف و همونجا گیر افتاد. منم رفتم سمتش و اونجا چیزی رو دیدم که تا به حال نمی‌دونستم. بهش که نزدیک شدم، خودشو چسبوند به گوشه انباری. وقتی دید راه فراری نداره اول دندوناشو نشون داد و یه جوری اخم کرد که خیلی ترسیدم بعد که صدای فخ‌فخ در آورد دیگه قلبم داشت از جاش کنده می‌شد. اونجا تنها بودم و حس کردم الانه که به هم بپره. خشکم زده بود. دیدم حیوونای ضعیف وقتی راهشونو ببندی حمله می‌کنن. اما قضیه اینجا تموم نشد. من عقب رفتم و حس کردم کمی آروم شد. یهو یه چیزی به ذهنم اومد و یک تیکه پارچه و یک دبه خالی پلاستیکی رو برداشتم و چپوندم توی شکاف گوشه سقف. بعد آروم اومدم بیرون و درَ انباری رو قفل کردم.

بعد از اون، تا چهار روز کارم همین بود. با جارو می‌رفتم تو انباری و کاری می‌کردم بره تو گوشه و تا مرز حمله کردن می‌ترسوندمش. برای خودم هیجان عجیبی داشت. چون داشتم یه چیزی رو کنترل می‌کردم که برام ناآشنا بود. هیجانش آن قدر بود که گاهی وقتا دوبار می‌رفتم… حتی سر امتحان بهش فکر می‌کردم. شبا صداش رو جور دیگه‌ای می‌شنیدم. دیگه برام آزاردهنده نبود. حس می‌کردم داره التماس می‌کنه بذارم بره بیرون. انگار یک زندون جادویی پیدا کرده بودم و کلیدش فقط مال خودم بود. چهار روز تمام کارم همین بود. آخرش روز چهارم مستقیم رفتم و شکاف گوشه رو براش باز کردم. حتی الانم نمی‌دونم چقدر ترس و گرسنگی کشیده بود. این بار چر خیدم و از سمت دیگه بهش حمله کردم. خودشو با تقلا رسوند به شکاف و اولین بار بود می‌دیدم موقع بالا رفتن داره دست و پا می‌زنه. اونجا فهمیدم چقدر ضعیف…»

ستاره یکهو از جایش بلند شد. طوری که چهارپایه تلق‌تلق صدا کرد. بالأخره حمید آن پایین گوشی به دست پیدایش شده بود. توی محوطه زیر آفتاب سوار ماشینش شد و زمانی که از در شرکت بیرون آمد دیدند که یک خانم انتظارش را می‌کشید. زن جوانی بود که کنار حمید سوار شد و رفتند…

ادامه دارد...

با اسکن کد قسمت سوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت دوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت اول داستان را در اینجا بخوانید

سرهنگ حسین دهقان‌پور، فرمانده انتظامی نیشابور: **۴ متهم که در نیشابور با اسلحه شکاری اقدام به تیراندازی هوایی و ایجاد رعب و وحشت کرده بودند، پس از یک ماه دستگیر شدند. از این افراد تعدادی سلاح سرد به همراه یک شمشیر کشف شد.**

اخبار جهان

وقوع انفجار در تئاتر پایتخت فنلاند

فنلاند | ایسنا | پلیس فنلاند از وقوع انفجاری مشکوک در تئاتر شهر هلسینکی، پایتخت این کشور خبر داد. این حادثه زمانی رخ داد که ۱۰۰ نفر در ساختمان اصلی حضور داشتند و نیروهای خدماتی در داخل ساختمان به تعمیر و نگهداری تأسیسات مشغول بودند. در این حادثه حداقل یک نفر زخمی شد و رسانه‌های فنلاند گزارش دادند که با وجود محدودیت برای حضور در این ساختمان، هیچ دلیل و مدرکی درباره عمدی بودن وقوع انفجار وجود ندارد و پلیس تحقیقات خود را درباره منشأ این حادثه آغاز کرده است.

۵ سال حبس برای نخست‌وزیر سابق فرانسه

فرانسه | یورونیوز | دادگاهی در فرانسه، فرانسیس فیون، نخست‌وزیر سابق این کشور را به جرم اختلاس از منابع دولتی و عمومی به ۵ سال زندان محکوم کرده است که ۳ سال آن به صورت تعلیقی است. دادگاه فرانسه همچنین پنلوپه همسر فیون را نیز به دست داشتن در اختلاس یک میلیون یورویی مجرم شناخته است. وی نیز به ۳ سال حبس تعلیقی محکوم شده است. در حکم دادگاه آمده است که فیون شصت‌وشش ساله با سوءاستفاده از قدرت و اعتماد عمومی، با ایجاد شغل ساختگی به همسرش حقوق و دستمزدی را پرداخت کرده که شایسته دریافت آن نبوده است.

احتمال از سرگیری اعدام در آمریکا

آمریکا | تسنیم | با وجود توقف اعدام در آمریکا از سال ۲۰۰۳، دادگاه عالی آمریکا به دولت ترامپ اجازه داده تا اولین اعدام فدرال را پس از ۱۷ سال انجام دهد. این اعدام قرار است برای ۴ نفر که به جرم قتل در زندان هستند با تزریق داروی مرگ‌بار، اجرا شود. دادگاه عالی آمریکا درخواست تجدیدنظر از سوی متهمان را رد کرده است. در حالی که برخی ایالت‌های آمریکا همچنان در دادگاه‌های خود به اجرای مجازات اعدام طی سال‌های اخیر ادامه داده‌اند، دولت آمریکا در ۱۷ سال گذشته هیچ موردی از اعدام را انجام نداده است.

معمای پلیسی

سارق طلاها چه کسی است؟

طرح: رضا جنگی

موسایی | در منزلی که مشغول اثاث‌کشی بودند سرقتی اتفاق افتاد. ساختمان سه‌طبقه دارد. خانه اجاره‌شده در طبقه اول است و مستأجر به همراه دو کارگری که کمکش می‌کردند مشغول بالا بردن وسایل بودند. یکی از کارگرها وسایل کوچک و خرده‌ریزه‌هایی که می‌شد با آسانسور برد را حمل می‌کرد و مستأجر به همراه کارگر دوم وسایل بزرگ را از راه‌پله‌ها بالا می‌بردند. جعبه‌ای که توی آن طلا و جواهرات بود به سرقت رفت. مثل تمام مواقع اثاث‌کشی درَ خانه باز بود تا رفت و آمد و آوردن وسایل راحت‌تر انجام شود.

شهادت کارگر اول: من می‌خواستم سبد ظرف و ظروف را با لا ببرم و پای آسانسور ایستاده بودم. تا آن موقع کسی رفت و آمد نکرده بود. من هندزفری توی گوشم بود و موقع بردن وسایل موسیقی گوش می‌دادم. دکمه آسانسور را زدم که باز شود ولی دیدم به یکی از طبقات بالا می‌رفت که درست یادم نیست کدام طبقه بود شاید طبقه سوم رفت. دقت نکردم چون فکر نمی‌کردم مهم باشد. بعد آمد پایین. حدود ۱۰ دقیقه بعد بود که مستأجر متوجه شد سرقت انجام شده است. من هم جلو چشم راننده بودم و می‌تواند شهادت بدهد که چیزی برنداشته‌ام.

شهادت همسایه طبقه دوم (که زن مسنی بود و سمعکش را موقع بازجویی گذاشت): آن ساعت من توی خانه بودم حتما. چون جایی نمی‌روم. حواس درست و حسابی ندارم و تمام روز هم مثل همیشه تنهایم که یا مشغول آب دادن به گلدان‌ها هستم یا آلبوم‌های خانوادگی را نگاه می‌کنم. فقط یادم می‌آید صدای باز شدن آسانسور را شنیدم و بعد صدای پاهای کسی آمد که تندتند از پله‌ها بالا رفت.

شهادت همسایه طبقه سوم (مرد میان‌سال چاقی که با مادر پیرش زندگی می‌کند): جناب من دیابت دارم و آن ساعتی که حرفش را می‌زنید معمولا تایمی است که انسولینم را تزریق می‌کنم. فقط یادم می‌آید که صدای آسانسور آمد و بعد صدای پای کسی را شنیدم که به طبقه پایین می‌رفت. چون از پنجره دیده بودم طبقه پایین اثاث‌کشی دارند فکر کردم کسی طبقه را اشتباهی آمده باشد.

سارق کیست؟

لطفا پاسخ خود را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک کنید.

پاسخ معمای پلیسی نهم تیر «۲۰۶ یا پراید؟»: برخلاف باور عموم، نداشتن گواهی‌نامه در رانندگی تأثیری بر مقصر قلمداد شدن در تصادفات ندارد. اما جرم است و با راننده متخلف برخورد خواهد شد. بنابراین در این حادثه مقصر راننده پراید است که فاصله طولی را رعایت نکرده و خسارت خودرو ۲۰۶ را باید بر عهده بگیرد.

جدول شماره: ۲۹۶۴

طراح: محمدرضا علیزاده

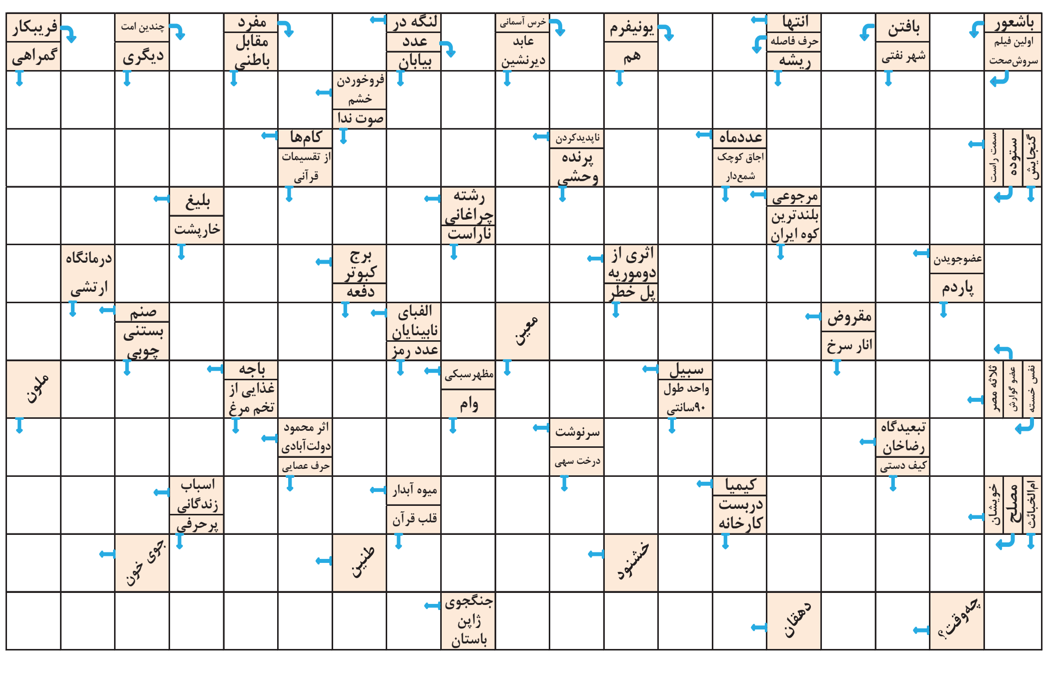

پاسخ جدول ۲۹۶۳

طراح: امیرعباس واسعی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	ه	ز	ا	ر	د	س	ت	ا	ن
۲	ن	ا	ن	و	ا	■	ا	م	ا
۳	د	ل	ه	■	م	ع	ر	ا	ج
۴	ل	و	■	ا	ی	ر	ا	ن	ی
۵	■	■	ک	ج	■	ا	ج	■	■
۶	ا	س	ت	ر	ا	ق	■	ا	ب
۷	س	ا	م	ا	ن	■	م	س	ا
۸	ا	ر	ا	■	ش	ی	ر	ا	ز
۹	م	ی	ن	د	ا	ن	ا	ی	و